

مطالعه منتقدانه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و توسعه (یک مطالعه مردم‌نگارانه در منطقه عسلویه)

مهتا بذرافکن^۱ و دکتر محمدتقی ایمان^۲

تاریخ وصول: ۹۵/۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۳۱

چکیده:

منطقه‌ی گازی پارس جنوبی واقع در شهرستان عسلویه یکی از مناطق صنعتی خاورمیانه و محل فعالیت ده‌ها شرکت پتروشیمی است که تأثیر مخربی روی زیست‌بوم منطقه گذاشته که بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و روند توسعه‌ی متوازن در آن حائز اهمیت است. این پژوهش با نگرشی جامعه‌شناختی، با هدف مطالعه‌ی منتقدانه‌ی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، از دیدگاه جوامع محلی به‌عنوان بخشی از ذینفعان بیرونی انجام شده است. جهت انجام این پژوهش، از روش مردم‌نگاری انتقادی و مصاحبه‌ی پی‌زودیک همراه با مشاهده و شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه با ۲۰ نفر از ساکنان بومی انجام و با تکنیک استقراء تحلیلی، از داده‌های حاصل، مقوله‌های اصلی ناپایداری، سلطه‌ی فن‌سالاری بر انسان‌مداری، کارکرد غیر اثربخش نهادها و مقوله‌ی هسته‌ی بازاندیشی توانمندساز استخراج و تحلیل شد و مدل پارادیمی بر مبنای مدل پارادایمی اشتراوس - کوربین ارائه گردید. نتایج نشان داد مردم این منطقه از رونق اقتصادی و برخی موقعیت‌های ناشی از توسعه‌ی اقتصادی ارزیابی مثبتی داشته، اما عملکرد شرکت‌ها در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکتی‌شان را در قبال زیست‌بوم و توسعه‌ی پایدار و متوازن و در نظر گرفتن حقوق مردم محلی ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

مفاهیم کلیدی: مسئولیت اجتماعی شرکتی، صنعتی شدن، توسعه‌ی پایدار، مردم‌نگاری انتقادی

^۱ دکتری جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول) mhtabzr@gmail.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز iman@shirazu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

صنعتی شدن با رویکرد تکنوکراتیک در مناطق انرژی موجب توسعه‌ی یک جانبه‌ای می‌گردد که اگر چه در ابتدا هیجان‌انگیز و جذاب می‌نماید، اما به مرور زمان آسیب‌های ناشی از در نظر نگرفتن ابعاد مختلف توسعه و توسعه‌ی پایدار هویدا می‌شود. جوامع محلی و محیط زیست دو گروهی هستند که بیشترین آسیب را از توسعه‌ی نامتوازن متحمل شده و اهمال‌کاری‌ها زیستشان را در معرض خطر قرار داده است. ناپایداری‌های زیستی و اجتماعی از پیامدهای مهم توسعه‌ی صنعتی ناقص است. توسعه‌ی اقتصادی، موتور توسعه محسوب می‌شود و می‌تواند رسیدن به سایر جنبه‌های توسعه و توسعه‌ی پایدار را تسهیل کند. اما این در صورتی امکان‌پذیر است که برنامه‌های توسعه‌ای این امر مهم را در نظر بگیرند که سایر جنبه‌های توسعه نیز به اندازه توسعه‌ی اقتصادی حائز اهمیت است. یکی از مهم‌ترین مناطق در حال توسعه در ایران، منطقه‌ی انرژی پارس جنوبی واقع در شهرستان عسلویه استان بوشهر می‌باشد. منطقه‌ی گازی پارس جنوبی یک حوزه‌ی گازی مشترک با کشور ساحلی قطر می‌باشد، این کشور از سال ۱۹۹۲ به تدریج اقدام به احداث تأسیسات استخراج و پالایش گاز کرده و در این راه از ایران پیشی گرفت؛ در این شرایط ایران نیز در جهت برداشت سهم خود، توسعه‌ی پرشتابی در ایجاد زیرساخت‌ها و تأسیسات صنعتی در این منطقه آغاز کرد و همین شتاب موجب شد برخی از مقوله‌های مهم و تأثیرگذار در مسیر توسعه‌ی پایدار و توسعه‌ی متوازن تا مدت‌ها بعد به دست فراموشی سپرده شود. پژوهش‌های اجتماعی مانند مطالعات صادقی فسایی (۱۳۸۵)، تحت عنوان ارائه‌ی الگویی مفهومی برای مسایل و انحرافات اجتماعی عسلویه، صابری زفرقندی و همکاران (۱۳۸۶)، در خصوص وضعیت مصرف مواد، اعتیاد و خدمات مربوطه در کارگران منطقه‌ی صنعتی عسلویه میدان گاز پارس جنوبی و مطالعه‌ی طالبیان و همکاران (۱۳۸۷: ۷۵-۵۵)، در خصوص تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه‌ی صنعتی نشان می‌دهد آسیب‌های جدی به صورت‌بندی پایداری زیستی - اجتماعی وارد شده است. از نظر زیستی، هم اکنون هم گزارش‌های زیادی در رسانه‌ها منتشر می‌شود که نشان‌دهنده‌ی آلودگی‌های زیستی است که بر سلامتی مردم و محیط زیست عسلویه تأثیر مخرب، جدی و غیر قابل جبران گذاشته است. پسماندهای شیمیایی، گوگرد، دود ناشی از سوختن گاز و بوی گاز از جمله مسائل آزاردهنده بوده و از جمله عوامل مهم و جدی تهدیدزا برای زندگی و سلامت جسمی و روانی مردم و محیط زیست مجاور پالایشگاه به‌شمار می‌روند. علاوه بر اینها اعتصابات کاری، وضعیت نابسامان ورود و خروج کارگران، عدم سازگاری با یکدیگر و با مردم

محلی، احساس بیگانگی و غربت و فقدان و یا کمبود مداخلات اصلاحی پیشگیری و درمان در بخش اجتماعی نیز شرایط دشواری رقم زده‌است. بدون تردید بخشی از این آسیب‌ها ناشی از عدم در نظر گرفتن توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی مناسب برای یک شهر صنعتی شده می‌باشد. اگر چه در سال‌های اخیر اقدامات اندکی از سوی برخی از شرکت‌ها انجام شده، اما اقدام شرکت‌ها برای پایان دادن به این وضعیت؛ ناکافی، غیر مسئولانه و دیر هنگام بوده و برخی از آنها فقط گام‌های اولیه برداشته‌اند. در مناطق اطراف ذرات آلوده‌کننده در هوا موجب افزایش بیماری‌های ریوی و تنفسی شده است. علاوه بر آن احداث منطقه‌ی گازی عسلویه و گسترش فازهای آن باعث از بین رفتن تعلق مکانی مردم در روستاها شده، همچنین ورود مهاجران بی‌شمار از سراسر کشور به منطقه و نامطلوب بودن شیوه‌های پذیرش و اسکان در کمپ‌های کارگری، کمبود تفریحات سالم، دور بودن کارگران از محیط خانواده، چند فرهنگی شدن محیط و فقدان کنترل و نظارت اجتماعی کافی و مسائلی از این قبیل آسیب‌های زیادی برای مردم جوامع محلی به دنبال داشته است؛ عسلویه با مسائل اجتماعی و فرهنگی زیادی مانند ناامنی اجتماعی، ریسک خطر ابتدا به انواع بیماری‌های ناشی از آلودگی‌های زیستی و ورود و خروج کنترل نشده‌ی کارگرانی که تماس‌های جنسی مشکوک دارند، مصرف انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی قاچاق، بیگانگی اجتماعی و مسائلی از این دست روبرو است. وضعیت کنترل نشده و بدون برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی نیروی کار جوان و مجرد و دور از خانواده، اهمال کاری در استفاده از تکنولوژی‌های به‌روز در جهت حفظ محیط زیست، رفتار غیر مسئولانه‌ی شرکت‌ها، در نظر نگرفتن حقوق جوامع محلی، ضعف نظارت بر توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی و سهم شرکت‌ها در این مسیر از عوامل مهمی است که موجب این آسیب‌ها شده‌اند. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها حلقه‌ی فراموش شده‌ای است که اگر هم مطرح بوده است در حد حرف و ژست‌های مدیریتی بوده است. البته برای رفتار مسئولانه‌ی شرکت‌ها رابطه‌ی دو طرفه‌ای در نظر گرفته می‌شود که شامل تشخیص جامعه از اهمیت آن از یک سو و تلاش‌های شرکت‌ها برای کسب تأییدیه‌ی رفتار خود از «جامعه» از سوی دیگر است. که با توجه به توسعه‌ی ناقص به نظر می‌رسد در منطقه‌ی عسلویه این رابطه از هر دو سو مخدوش است. مسئولیت اجتماعی شرکتی به انتظارات گروه‌های تشکیل‌دهنده‌ی جامعه درباره‌ی آن نوع رفتار شرکتی مرتبط است که شرکت‌ها باید آن را شناسایی کرده و مطابق با آن عمل کنند (بانرجی، ۲۰۱۰). پایداری (زیستی و اجتماعی) یک هدف اساسی و بلند مدت است که شرکت‌ها باید الگوی‌های توسعه‌ای‌شان مطابق با آن مفهوم‌سازی نمایند.

مسئولیت‌های اقتصادی شرکت‌ها از دیدگاه اجتماعی نیز مهم است، همان‌طور که مفهوم توسعه‌ی پایدار نیز بر آن تأکید دارد. از آنجا که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یک میدان عمل است، فعل و انفعال فشار مردمی از یک‌سو و پاسخ شرکت‌ها به چنین فشارهایی از سوی دیگر می‌تواند به بهبود استانداردهای زندگی و بالابردن سطح پایداری اجتماعی - زیستی در مناطق مجاور پالایشگاه‌ها کمک کرده و زمینه را آماده سازد که ذینفعان با یکدیگر روبرو شده و با هم مذاکره کنند. حوزه‌ی مسأله فراتر از سازمان‌ها گسترش دارد و تعاملات مردمی که منافع مختلف و اولویت‌ها، تجارب و بالاتر از همه دیدگاه‌های فردی خود را دارند، نیز در بر می‌گیرد (ملهوس و همکاران، ۲۰۱۱). منطقه‌ی پارس جنوبی به‌عنوان یکی از مناطق مهم گازی جهان، تأثیر بسیار عمیقی بر زندگی مردم مجاورش داشته و مسأله‌ی توسعه‌ی پایدار و توسعه‌ی متوازن در این منطقه از مهم‌ترین مسائلی است که باید مورد تحقیق و چالش قرار گیرد. امروزه توسعه‌ی پایدار یکی از مهم‌ترین محورهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست و بدیهی است که مسئولیت اجتماعی شرکتی یکی از راه‌هایی است که می‌تواند پیامدهای صنعتی‌شدن را کاهش دهد. رابطه‌ی بین فعالیت‌های اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی غیر قابل انکار است. در دنیا فعالیت شرکت‌ها بارها منجر به فجایعی مانند آلودگی‌های نفتی دریاها، فاجعه‌ی انسانی - زیستی کارخانه‌ی بوپال در هند و ... شده‌است، و این حوادث مرگبار نشان می‌دهد که هیچ شرکتی نمی‌تواند جامعه‌ی محلی پیرامون خود را نادیده انگارد. همین فجایع و تخریب‌ها باعث شد که سازمان ملل در کنوانسیون‌های مختلف حقوق بشر و محیط زیست، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را در خصوص محیط زیست و توسعه‌ی پایدار اجباری قلمداد کرده و دولت‌ها را موظف به نظارت بر عملکرد شرکت‌ها و پیگیری این مسئولیت‌ها بنماید. بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی، توسعه‌ی پایدار و مسایل مربوط به محیط زیست و کاهش تهدیدات ناشی از تخریب آن از مهم‌ترین محورهای عملیاتی شرکت‌ها به‌طور اجباری است. همان‌طور که گفته شد شرکت‌ها به‌طور مستقیم بر زندگی و سلامت مردم محلی و محیط زیست اثر می‌گذارند و البته فعالیت در پاره‌ای از حوزه‌ها مانند انرژی حساس‌تر نیز می‌باشد، شرکت‌های فعال در بخش انرژی شرکت‌هایی هستند که در صف اول تولید ثروت از یک‌سو و تخریب محیط زیست از سوی دیگر قرار دارند و انتظار عمومی این است که این شرکت‌ها هزینه‌ی تخریب و تهدیدشان را پرداخته و مسئولیت کاهش مخاطرات (اجتماعی - زیستی) نیز پذیرا باشند. حضور ده‌ها شرکت بزرگ در منطقه‌ی پارس جنوبی از یک‌سو، و گزارشات رسمی و غیر رسمی نامطلوب زیست محیطی و اجتماعی از سوی دیگر این

سؤال را که برآستی این شرکت‌ها در برابر این تخریب‌ها چه پاسخی دارند؟ اگر از آنها پرسیده شود، شرکت‌ها ادعا می‌کنند که به مسئولیت اجتماعی شرکتی‌شان عمل کرده‌اند، اما شواهد عینی و پژوهشی نشان می‌دهد که انعکاس عملکردشان در جامعه نامطلوب است. این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی و انسان‌مدارانه به توسعه، با هدف مطالعه‌ی منتقدانه‌ی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، از دیدگاه جوامع محلی به‌عنوان بخشی از دینفعان بیرونی انجام شده است. مردمی که توسعه و پیامدهای صنعتی‌شدن و اثرات آن بر زندگی خودشان را به‌طور مستقیم تجربه کرده‌اند، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را چگونه می‌پندارند؟ این پژوهش یک مطالعه‌ی مردم‌نگارانه‌ی انتقادی است که چگونگی همزیستی مردم با شرکت‌ها، مسئولیت اجتماعی شرکتی و تأثیر عملکرد شرکت‌ها بر زندگی جوامع محلی را مورد سؤال قرار داده و به چالش می‌کشد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

در ایران پژوهش‌های اجتماعی در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها انجام نشده است. اما مطالعات پیامدهای توسعه در عسلویه انجام شده است. پژوهش تحلیل پایداری اجتماعی اثرات توسعه‌ی صنعتی منطقه‌ی ویژه‌ی پارس جنوبی در بخش عسلویه توسط صدوق و همکاران (۱۳۹۳)، انجام شد. این پژوهشگران در خصوص پژوهش خود گفته‌اند: سنجش و ارزیابی مستمر از تغییرات و پیامدهای اجتماعی ناشی از فعالیت‌های عظیم صنعتی کارگری چون نفت و گاز در مراکز جمعیتی پیرامونی آن، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در کاهش پیامدهای منفی اجتماعی به‌عنوان موانعی در تحقق پایداری اجتماعی و امنیت این فعالیت‌ها می‌باشد. چرا که هجوم جمعیت مردان جویای کار از نقاط مختلف، با ویژگی‌های متفاوت می‌تواند علاوه بر تأمین نیروی انسانی مورد نیاز عاملی در بروز مسائل اجتماعی در مقصد شود (صدوق و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۱-۶۳).

وضعیت مصرف مواد، اعتیاد و خدمات مربوطه در کارگران منطقه‌ی صنعتی عسلویه (میدان گاز پارس جنوبی) در سال ۱۳۸۶ پژوهشی است که توسط، صابری زفرقندی و همکاران (۱۳۸۶)، در گروه روانپزشکی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران صورت گرفته است. این گروه پژوهشی در خصوص تحقیقشان گفته‌اند که: با تراکم جمعیت کارگری در میدان گاز پارس جنوبی (عسلویه)، احتمال افزایش آسیب‌های اجتماعی، به

ویژه اعتیاد نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است. نتیجه‌ی این تحقیق نشان داد که در محیط‌های کاری با توسعه‌ی سریع، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع برای کنترل ضرورت دارد و هزینه‌ی آن توسط سهم ناچیزی از سود تولیدات قابل پرداخت است. نکته‌ی قابل ذکر در پژوهش مذکور اشاره به سهم شرکت‌ها در کاهش پیامدهای صنعتی شدن است (صابری زفرقندی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۸-۵۸).

پژوهش دیگری با عنوان: توسعه‌ی صنعتی و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه‌ی پارس جنوبی؛ که در به سفارش وزارت نفت، توسط نویسندگان مقاله و از طرف انجمن جامعه‌شناسی ایران در منطقه‌ی پارس جنوبی توسط طالبیان و همکاران (۱۳۸۴)، انجام شده است. این محققان با استفاده از رویکرد تلفیقی استفاده از تحقیق پیمایشی و بهره‌گیری از روش‌های کیفی «تحلیل تأثیر اجتماعی» در دو جامعه‌ی آماری ساکنان بومی عسلویه و کارگران غیر بومی شاغل در منطقه انجام دادند. آن‌ها ضمن بررسی توصیفی وضعیت منطقه‌ی عسلویه، قبل و بعد از احداث تأسیسات صنعتی، نشان دادند که فقدان رویکرد اجتماعی به توسعه چه عواقب ناگواری برای زندگی اجتماعی محلی داشته و توسعه‌ی پایدار در این منطقه را نیز با دشواری مواجه می‌سازد. نتایج این پژوهش نشان داد که این منطقه بسیار توسعه‌نیافته بوده است.

ب) تحقیقات خارجی

رانگن و زابل^۱ (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با عنوان بازنگری «چگونگی» مسئولیت اجتماعی شرکت در استخراج معادن و جنگل‌داری به تحلیل گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداخته و به مسأله‌ی خط مقدم بودن مسئولیت اجتماعی شرکت‌های معادن و نفت و گاز در برابر جنگل‌ها پرداخته‌اند. نتایج پژوهش این محققان نشان داد که بیشترین تحقیقات مسئولیت اجتماعی شرکت‌های صنایع نفت و گاز در حوزه‌ی جنگل‌داری و محیط زیست و مشارکت اجتماعی و توسعه بوده است و اما هنوز هم جنبه‌های واقعی دیگری ناشناخته باقیمانده است که باید در مورد آن‌ها بیشتر مطالعه شود.

روفلت^۲ و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با عنوان یک ارزیابی از شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در معدن و صنایع نفت و گاز و پتروشیمی به مسأله‌ی چالش این شرکت‌ها در کشورهای در حال توسعه با مسایل اجتماعی و زیست‌محیطی؛ بر ضرورت

^۱ Ranängen & Zobel

^۲ Raufflet

پایبندی این شرکت‌ها بر چارچوب‌های مختلف ملی و بین‌المللی و محلی و توسعه، به اهمیت تعریف استانداردهای نظارتی برای اندازه‌گیری عملکرد این شرکت‌ها پرداختند. آرمسترانگ و گرین^۱ (۲۰۱۳)، در یک پژوهش به مقایسه‌ی شرکت‌های مسئول و غیر مسئول در رعایت مسئولیت اجتماعی شرکتی و همچنین اثرات سیاست‌های آزادی و اجبار برای ترویج رفتار مسئولانه را بررسی کرده‌اند. آنها در این پژوهش با تأکید بر اینکه مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند فرصت‌هایی برای کسب سود فراهم کند اما تغییرات در مجموع در صورتی به رفاه کلی منجر می‌شود که شرکت‌ها سیاست‌هایی آزادانه و بدون کمک گرفتن از مالیات‌دهندگان اتخاذ کنند. اتخاذ سیاست مسئولیت اجتماعی اجباری باعث به وجود آمدن زمینه‌هایی برای دور زدن برنامه‌ها، تحریف تخصیص منابع شده و احتمال تصمیم‌گیری غیر مسئولانه را افزایش می‌دهد.

بودلینگ (۲۰۱۲)، در پژوهش خود با مبنا قرار دادن دیدگاه وبری در پی ارائه‌ی رویکرد نظری جدید در مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. وی معتقد است تاکنون در مسئولیت اجتماعی شرکتی به نقش اقتصاد و گفتمان اقتصادی در مسئولیت اجتماعی پرداخته شده است که ایشان آن را نقد کرده و معتقد است در بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتی باید به یک رویکرد جدید خارج از اقتصاد و در حیطه‌ی اخلاق کسب و کار نیز پرداخته شود، و آن رویکرد هنجاری است. پژوهشگر معتقد است درک عناصر مرکزی مسئولیت اجتماعی شرکتی به شناختن پتانسیل‌ها و پاسخ به پرسش‌های نظری در حیطه‌ی جامعه‌شناسی اقتصادی مدرن کمک خواهد کرد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد انتقادی و با روش مردم‌نگاری انتقادی انجام شده که بر مبنای آن منبع هر گونه ساخت‌وساز و تغییر در واقعیت‌های اجتماعی همان انسان است، درک انسان‌ها از واقعیت‌ها، تغییر در واقعیت‌ها و چگونگی معنادار کردن آن‌ها بسیار مهم است. در این رویکرد به بررسی واقعیت‌هایی که خارج از انسان است پرداخته می‌شود (ایمان، ۱۳۹۱: ۵۵). مردم‌نگاری انتقادی همانند مردم‌نگاری معمولی با رعایت ضوابط هسته‌ای روش مردم‌نگاری، بر جمع‌آوری داده‌های کیفی، تفسیر داده‌ها به روش کیفی و تجزیه و تحلیل آنها بر مبنای پارادایم انتقادی تکیه داشته و هدف آن نیز توسعه‌ی نظریه است؛

^۱ Armstrong & Green

مردم‌نگاری معمولی به دنبال توصیف است و مردم‌نگاری انتقادی در پی تغییر و اصلاح آن بخش از فرهنگ و تعاملات محدودکننده و سرکوبگر است. «مردم‌نگاری انتقادی با هدف توانمندسازی، آگاهی‌بخشی و به چالش کشیدن موضوعاتی است که باعث به حاشیه رانده شدن گروهی از مردم می‌شود و از دیدگاه حمایتی برخوردار است» (توماس و همکاران، ۱۹۷۹). اگر چه این را نیز در نظر می‌گیرد که بقای هر جامعه به سرکوب برخی از کنش‌ها نیاز دارد و برخی از محدودیت‌ها برای رشد و هماهنگی اجتماعی ضروری‌اند، اما محدودیت‌هایی هم وجود دارند که به گروه‌هایی از مردم تحمیل می‌شود، به‌طور ناعادلانه‌ای دسترسی برخی از گروه‌ها به منابع ارزشمند مانند (آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، اشتغال و امنیت در سطوح مختلف) محدود شده و موجب حذف شدنشان از مشارکت اجتماعی می‌شود (همان: ۴-۵).

در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند، که نوعی نمونه‌گیری غیر احتمالی است، استفاده شده است. در نمونه‌گیری هدفمند محقق تعمداً به انتخاب محیط‌ها، افراد یا وقایع خاصی می‌پردازد که حاوی اطلاعات مهمی است. تکنیک‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات در این روش عمدتاً مصاحبه، مشاهده و یادداشت‌های میدانی‌اند. بر همین اساس داده‌ها مطابق با روش‌شناسی کیفی و پارادایم انتقادی و روش مردم‌نگاری انتقادی جمع‌آوری شد. ابزار این پژوهش، مشاهده، مصاحبه‌ی اپیزودیک (فلیک، ۱۳۸۹: ۲۰۲)؛ و یادداشت‌های میدانی بوده‌است. ابتدا، میدان تحقیق توصیف شد. سپس گروه‌های ذینفع شناسایی شده و اطلاعات لازم گردآوری گردیده و در مرحله‌ی آخر نیز، کدگذاری و تحلیل اطلاعات انجام شد. پژوهشگر علاوه بر این که مدت ۱۰ سال به‌صورت منقطع در آن محل رفت و آمد داشته، بیش از یک‌سال به‌صورت مداوم در میدان تحقیق حضور داشته و به مشاهده‌ی میدان تحقیق و یادداشت‌برداری پرداخته‌است. او برای تکمیل پژوهش با در نظر گرفتن ترکیب سن، وضعیت تأهل، شغل و تأکید بر عنصر بومی بودن؛ ۲۰ نفر از ساکنان جوامع محلی به صورت هدفمند جهت انجام مصاحبه انتخاب کرده‌است. ترکیب سنی پاسخ‌گویان از ۲۸ تا ۶۵ سال و تحصیلات آن‌ها از بی‌سواد تا کارشناسی ارشد است. میانگین سنی سوژه‌ها ۴۰ سال و میانگین تحصیلات، کارشناسی است. این ۲۰ نفر دارای مشاغل هم‌چون وکیل، دبیر، معلم، پرستار، کارمند، شغل آزاد، دانشجو بوده و از نظر وضعیت زناشویی ۴۰ درصد مجرد و ۶۰ درصد متأهل‌اند. از آنجا که آنها همگی بومی می‌باشند و با توجه به سکونت قبل از ایجاد منطقه‌ی گازی پارس جنوبی عسلویه، با تغییرات و مسائل آنجا به خوبی آشنا بودند و می‌توانستند وضعیت گذشته و حال را مقایسه کنند. این

مصاحبه‌ها طی یک‌سال به صورت بازتابشی در مکان‌های مختلف از جمله منزل، محل کار، و دانشگاه و گاه نیز به صورت تلفنی انجام گرفته‌است. مدت مصاحبه به دلیل بازتابشی بودن تحقیق کیفی متغیر بوده و پژوهشگر برای رفع ابهامات گاهی تا چندین بار به آنها مراجعه کرده است. برخی از آنها به واسطه‌ی حضور پژوهشگر در منطقه با محقق آشنا بودند و برخی دیگر نیز از طریق آشنایان و بزرگان محلی مانند دهیاران معرفی شدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق استقراء تحلیلی، مقوله‌ها استخراج شده و بر اساس آن، تحلیل نهایی صورت گرفته است. در استقراء تحلیلی، استقراء با مشاهدات خاص شروع و بعد از شناسایی گزاره‌ها به وسیله‌ی کدگذاری باز داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم عرضه می‌شود. سپس کدگذاری محوری صورت می‌گیرد. بدین صورت که محقق یک مفهوم را در کدگذاری باز شناسایی می‌کند و بر آن متمرکز گردیده سپس با رجوع به داده‌ها، شواهد عینی مرتبط با آن مفهوم را استخراج می‌کند، در مرحله‌ی کدگذاری محوری یک مقوله ساخته می‌شود. این فرایند استخراج، کدگذاری، کشف مفاهیم و عرضه‌ی مقوله‌ها همه بر اساس داده‌های به دست آمده در میدان تحقیق صورت می‌گیرد. در نهایت مدل پارادایمی ارائه می‌شود که در این پژوهش از مدل پارادایمی اشترواس - کوربین (فلیک، ۱۳۸۹: ۳۳۴) استفاده شده‌است.

چارچوب مفهومی پژوهش

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها امکانی است که اصول اخلاقی تجارت را به مدیران یادآوری می‌کند. مسئولیت اجتماعی شرکتی به چندین روش مفهوم‌سازی شده است که این مفاهیم به شکل آشکار به دیدگاه‌های مختلف در مورد نقش کسب و کار در جامعه مرتبط هستند (لانتوس، ۲۰۰۱). دیدگاه‌های مطرحی که در این حوزه وجود دارد از جمله دیدگاه «سهام‌دار» که مفهوم سنتی اش مبتنی بر این است که تنها مسئولیت مدیران این است که به بهترین شکل به سود سهام‌داران شرکت‌ها اهمیت دهند و از منابع شرکتی، با هدف کسب سود برای افزایش ثروت سهام‌داران استفاده کنند (فریدمن، ۱۹۹۸؛ جنسن، ۲۰۰۱). اما دیدگاه دوم که منتقد دیدگاه اول به شمار می‌آید «دیدگاه ذینفعان» است که بیان می‌کند که علاوه بر سهام‌داران، سایر گروه‌ها یا اعضا نیز تحت تأثیر فعالیت‌های شرکت هستند (مانند کارمندان یا جامعه‌ی محلی و محیط زیست) و این گروه‌ها و اعضا نیز باید به اندازه‌ی سهام‌داران در تصمیم‌گیری‌های مدیران در نظر گرفته شوند (فریمن، ۱۹۹۹؛ کلارکسون، ۱۹۹۵). دیدگاه پویایی نیز هم اکنون فعال است که به ضرورت ورود

جنبش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی به حوزه‌ی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأکید دارند. کارول (۱۹۷۹)، مسئولیت اجتماعی شرکت را مسئولیت داشتن در قبال پول و تعامل اخلاقی با جامعه‌ی اطراف می‌داند و در این خصوص ۴ نوع تعهد مطرح نموده است. اولین بعد، مسئولیت‌های اقتصادی به پول است که یک تعهد غریزی در کسب و کار و بقاء شرکت‌ها است. بعد دوم، مسئولیت قانونی و پایبندی به قوانین و مقررات است که این نیز یک مسئولیت عمومی و یک تعهد قابل درک است که شرکت‌ها باید به قوانین و مقررات اجتماعی و شرایطی که قانون برای آنها مهیا کرده تن داده و محدودیت‌های ناشی از آن را پذیرا باشند و اگر از این مقررات تخطی کنند لاجرم باید تن به جریمه‌های قانونی دهند. بعد سوم، مسئولیت اخلاقی برای انجام آنچه که درست است بدون نیاز به اعمال قانون و یا نامه‌نگاری است. این تعهد مهم‌ترین بعد در بحث مسئولیت اجتماعی شرکتی است. در این نوع مسئولیت، شرکت دارای یک فرهنگ سازمانی منسجم است که دیدگاه کسب و کارش را بر مبنای مطرح شدن به‌عنوان یک شهروند وظیفه‌شناس در جامعه بنیان کرده و به منظور رفاه جامعه و انجام تعهدات اخلاقی، همانند یک شهروند با هزینه کردن پول بیشتر، نهایت تلاش خود را برای رفاه و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی برای داشتن زندگی سالم به کار می‌بندد. چهارمین بعد مسئولیت اجتماعی شرکتی، مسئولیت بشردوستانه برای کمک به پروژه‌های توسعه‌ی انسانی است. اگر چه این پروژه‌ها مستقل از کار شرکت‌ها باشند اما شرکت‌ها با سخاوتمندی و برای رفاه جامعه و پیشرفت آن هزینه‌هایی متحمل می‌شوند (کارول، ۱۹۷۹). امروزه مسائلی چون سلامت و امنیت (روانی، زیستی و اجتماعی) جوامع محلی که با فعالیت شرکت‌ها در معرض تهدید قرار می‌گیرد، یکی از محورهای مهم این بحث است. مفهوم پایداری به‌طور واضح بر فرضیه‌ی بنیادی اخلاقی استوار است، که به وسیله‌ی آن استفاده از منابع به شیوه‌ای که موجودیت نسل‌های آینده را تهدید کند از نظر اخلاقی اشتباه در نظر گرفته شده است (گلاوین و همکاران، ۱۹۹۵). دلیل آنکه مفهوم مفهوم پایداری وسعت یافت عمدتاً به این خاطر است که بدون در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع و فعالیت‌های آنها، رسیدگی به پایداری محیط زیست طبیعی نه تنها غیر عملی است، بلکه حتی گاهی اوقات غیر ممکن است. هدف از توسعه‌ی پایدار حفظ رشد اقتصادی بدون نابودی محیط زیست است و از مسایل محیط زیستی شروع شده و دامنه‌ی آن به مسایل دیگر کشیده شده است (بانرجی، ۲۰۱۰). مسئولیت اجتماعی شرکتی از راه‌های مختلف هم از سوی مردم و هم از سوی شرکت‌ها قابل پیگیری است. در

مورد شرکت‌ها سازمان بین‌المللی استاندارد ایزو^۱ یک استاندارد بین‌المللی برای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سازمان‌ها ایجاد کرده‌است. ایزو ۲۶۰۰۰ هفت موضوع اصلی مسئولیت اجتماعی را برقرار می‌سازد، که تمامی آنها بخش‌هایی از تعاریف مسئولیت اجتماعی شرکتی کنونی هستند که عبارتند از: ۱- حکومت‌داری سازمانی، ۲- مشارکت و توسعه اجتماعی، ۳- حقوق بشر، ۴- شیوه‌های کار، ۵- محیط زیست، ۶- شیوه‌های عملیاتی منصفانه، ۷- مسائل مصرف‌کننده. دنبال کردن این موضوعات هفت‌گانه برای شرکت‌هایی که معتقد به پیگیری مسئولیت اجتماعی شرکتی هستند، مؤثر می‌باشد. این شیوه با سایر استانداردهای ایزو برای کمک به شرکت‌هایی منطبق با فرآیندهای بهبودسازی و برنامه‌های پیاده‌سازی، راهگشا است (هینگفلد و همکاران، ۲۰۱۰). از سوی دیگر «سازمان‌های مردم‌نهاد» یک نیروی قدرتمند محلی برای پیگیری مطالبات عمومی مردم از شرکت‌ها و نظارت‌های دولتی به‌شمار می‌روند، در واقع سمن‌ها واجد سرمایه‌ای نوظهور هستند که دولت‌ها تا حد زیادی از آن بی‌بهره‌اند و آن «دانش بومی و محلی» است که به‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی اعضای آن محسوب می‌شود. مخاطب توسعه‌ی مردمی، نه طبقاتی خاص بلکه همان‌طور که در گفتمان توسعه است، اقشار مختلف مردم هستند. اهمیت متغیر «مردمی» بر سازمان‌های غیر دولتی با رویکرد محلی متمرکز است. وجود سازمان‌های غیر دولتی باعث انتقال وظایف توسعه‌ای به این سازمان‌ها و تمرکززدایی از ساختار بوروکراتیک توسعه شده و این خود باعث رشد جامعه‌ی مدنی، توانمندسازی مردم و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی اعضای جامعه در جهت مطرح کردن و پیگیری مطالبات خود از پایین به بالا می‌شود، چرا که ساختار توسعه‌ی مردمی، ساختاری دموکراتیک و بومی است که با تأکید بر «محلی‌گرایی» سیستم نیازسنجی را از پایین به بالا (برعکس گفتمان توسعه که از بالا به پایین است) متحول کرده و سبب شناسایی نیازهای ریشه‌ای اعضای جامعه می‌شود و با تأکید بر تأمین نیاز، توسعه را به حیطه‌های دیگر جامعه‌ی محلی گسترش می‌دهد (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۲: ۶۳-۴۷). البته آموزش و توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد به سمت پایداری کلید اصلی حل مسائل توسعه است و موجب ایجاد فضای «فرصت‌های رشد» در جهت دسترسی به زندگی مطلوب در این مناطق خواهد شد.

بانک جهانی تعهد مسئولیت اجتماعی شرکتی را تعهد کسب و کار به مشارکت در توسعه‌ی پایدار از راه کار با کارمندان، خانواده‌هایشان، جامعه‌ی محلی، و جامعه‌ی بزرگ‌تر

^۱ ISO

برای بهبود کیفیت زندگی آن‌ها معرفی کرده است (بانک جهانی، ۲۰۰۵)؛ و کمیسیون اروپایی نیز مسئولیت اجتماعی شرکتی را مفهومی که شرکت‌ها به موجب آن موضوعات و نگرانی‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را در عملیات کسب و کار خود و تعاملات خود با ذینفعان به صورت داوطلبانه ادغام می‌کنند (کمیسیون اروپایی، ۲۰۰۵) تعریف کرده است. بر طبق این مفهوم سازی‌ها شرکت‌ها به رعایت مسائلی مانند ملاحظات زیست‌محیطی، در نظر گرفتن سلامت و امنیت مردم جوامع محلی، مسائل مرتبط با کارگران، حقوق بشر و مسائلی از این دست ملزم و یا توصیه شده‌اند. آنها موظف به گزارش‌دهی منظم و شفاف مالی از هزینه‌هایشان در این راستا و بر طبق استانداردهای تعیین شده در این خصوص می‌باشند. مسئولیت اجتماعی شرکتی یک مقوله‌ی بسیار مهم و چالش‌برانگیز پژوهشی است. اگر مردم انتظار نداشته باشند امیدوار نباشند که وضعیت شان از آنچه هست، بهتر شود، از آنچه دارند راضی هستند، اما اگر وضعیت بهتر سایر افراد مشابه خود در جامعه را مشاهده و خود را با آنها مقایسه کنند، در آن صورت احساس نارضایتی به آنها دست می‌دهد و تا زمانی که در رسیدن به هدفشان موفق نشوند، همچنان نارضی خواهند ماند؛ بنابراین، نشاط / رضایت یک تصور نسبی است که نشان می‌دهد، میزان بهزیستی (نشاط) افراد ناشی از «ثروتمندتر» شدن است نه فقط «ثروتمند» شدن (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶-۲۹).

یافته‌های پژوهش

در چشم‌انداز محیط زیستی، توسعه‌ی پایدار هشدار نسبت به سوء مصرف و مصرف بی‌رویه‌ی منابع فیزیکی و تلاش برای حفظ حقوق و سهم آیندگان از این منابع می‌باشد. چون همه‌ی بیوسیستم‌ها منابع و ظرفیت محدود دارند، در این فرایند در نظر گرفته شده و استثنایی، وجود ندارد، از این‌رو فعالیت انسانی پایدار باید در سطحی عمل کند که سلامت آن سیستم‌ها را تهدید نکند. حتی در اساسی‌ترین سطح، این نگرانی‌ها به لزوم آدرس‌دهی به تعدادی از مشکلات بحرانی که پیامد تجارت هستند، همانند اثرات صنعتی شدن بر تنوع زیستی، استفاده‌ی ادامه‌دار منابع غیر قابل تجدید از جمله نفت، فولاد و زغالسنگ، تولید آلاینده‌های مخرب محیط زیستی مانند گازهای گلخانه‌ای و CFCها از کارخانه‌های صنعتی و محصولات مصرفی و تهدید روزافزون سلامت انسان‌ها تأکید می‌کنند. هر چند در سطحی بنیادی‌تر، این نگرانی‌ها متوجه‌ی مشکل رشد اقتصادی است، و سؤال رنج‌آور آن است که همان‌طور که ما بدون تغییر روند بسوی تولید و مصرف بیشتر

و بیشتر پیش می‌رویم، آیا نسل‌های آینده واقعاً می‌توانند از استانداردهای مشابه زندگی ما لذت ببرند. فعالیت‌های صنعتی بدون در نظر گرفتن توسعه‌ی متوازن و پایدار، نه تنها باعث پیشرفت اقتصادی نمی‌شود بلکه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی را نیز به خطر می‌اندازد. اگر توسعه تنها به معنای بالا رفتن نمودار رشد اقتصادی و کسب سود بیشتر مد نظر باشد، تخریب ناشی از آن، همه‌ی سود حاصله را خواهد بلعید. به‌علاوه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری موجب خواهد شد که هم انسان و هم سایر اشکال حیات را از بین خواهد برد. ماهیت کسب و کار لزوماً اجتماعی است و ایجاد آن به‌خاطر افزایش رفاه در جامعه است. رفاه حقیقی در جامعه فقط با در نظر گرفتن همه‌ی ابعاد توسعه و توسعه‌ی پایدار به دست می‌آید. فعالیت‌های اقتصادی مخاطره‌آمیز، فعالیت‌های اجتماعی تهدیدزا نیز در پی خواهد داشت. یک کسب و کار بزرگ احتمالاً بیشتر می‌تواند منشأ رفاه اقتصادی و توسعه‌ی جوامع باشد، اما این در صورتی محقق می‌شود که برای دستیابی به این هدف بقیه‌ی ارکان جامعه قربانی نشوند. آنچه منجر به ظهور پایداری به‌عنوان یک طرز تفکر شد این بود که چگونه می‌شود اطمینان حاصل کرد که نسل‌های آینده تحت تأثیر منفی فعالیت‌ها و انتخاب‌های نسل کنونی قرار نگیرند و پیگیری پایداری هم در سطح محیط زیست هم پایداری اجتماعی یکی از مهم‌ترین گام‌ها در مسئولیت اجتماعی شرکتی است که باید توسط شرکت‌ها برداشته شود. این پژوهش با در نظر گرفتن حقوق مردم محلی در سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی صورت گرفته است. با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با مردم جامعه‌ی محلی مجاور منطقه‌ی انرژی پارس به مؤلفه‌هایی که منجر به ایجاد دو نوع پایداری شده است پرداخته و مقوله‌های آن استخراج شده‌است.

ناپایداری زیستی: اولین دغدغه مطرح شده در این داده‌ها، مسأله‌ی محیط زیست و سلامت بوده است. محیط زیست یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی است و می‌توان گفت خود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ذینفعان خارجی هر کسب و کاری است. صنعتی شدن این منطقه عامل اصلی آلودگی‌های محیط زیستی و تهدیدکننده‌ی محیط زیست به شمار می‌آید. از ابتدای صنعتی شدن مسأله‌ی آلودگی محیط زیست و تهدید سلامت انسان دغدغه‌ی بشر در قرن اخیر بوده است. مهندسان و پژوهشگران همواره سعی کرده‌اند که همزمان با بهبود تکنولوژی، مسایل محیط زیستی نیز در نظر گرفته و در جستجوی راه‌هایی برای کاهش تأثیر آلاینده‌ها بر کره‌ی زمین باشند، اما با این وجود هر جا شرکت‌های پتروشیمی هستند، عوامل تهدیدکننده‌ی سلامت انسان‌ها و محیط زیست نیز بیشتر است. رشد شتاب‌زده و توسعه‌ی یک‌سویه و عدم در نظر گرفتن مسأله‌ی محیط زیست باعث شده که

محیط زیست منطقه‌ی عسلویه با آلاینده‌های مختلف آکنده شده و تأثیر بسیار منفی بر همه‌ی موجودات زمین و دریا داشته باشد. گزارشات محیط زیستی از عملکرد شرکت‌های پتروشیمی در منطقه‌ی ویژه‌ی پارس نشان می‌دهد که این شرکت‌ها عملکرد مناسبی در این خصوص نداشته‌اند. تحلیل داده‌های به‌دست آمده در این پژوهش و مصاحبه با مردم ساکن در منطقه و مشاهدات محقق بیانگر این موضوع است که مردم به شدت نسبت وضعیت سلامت خود و محیط زیست نگران و البته آسیب‌دیده هستند. مردم ساکن در مجاورت این منطقه نیز در مصاحبه‌هایشان این مسأله را تأیید کرده‌اند که شرکت‌ها در این خصوص به وظایف قانونی خود به درستی عمل نکرده‌اند. آنها به‌طور قطع شرکت‌ها را در وضعیت پیش آمده مسئول می‌دانند و بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأکید کرده‌اند مثلاً:

بتول معلم ساکن روستای بیدخون می‌گوید: «آلودگی‌های زیادی از نظر صوتی - هوایی و غیره نصیب ما شد. ما زنان و بچه‌ها از بوی گاز خفه شدیم. خونمون آلوده هست. بدن آدم گوشت هست و مگر چقدر می‌تونه این همه آلودگی را تحمل کند؟ بوی گاز ما را عصبی کرده است. شرکت‌ها برای رفع این آلودگی‌ها کم‌کاری می‌کنند در حالی که درآمدهای میلیادری داشتند، سلامتی مردم را در نظر نگرفتند».

محمود کارمند محیط زیست ساکن عسلویه می‌گوید: «تحوالات اقتصادی به نسبت قبل زیاد ولی تغییرات آب و هوایی و محیط زیستی مخرب و غیر قابل جبران با تخریب اکوسیستم منطقه کلاً عوض شده و افزایش شدید آلودگی هوا و آب‌ها برخی از گونه‌های خلیج فارس را به سمت نابودی برده است. در ابتدا کسی هم پیگیر نبوده، چند سالی است که دارد پیگیری می‌شود و برخی از شرکت‌ها در طرح‌های محیط زیستی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اما خسارت‌هایی هم وارد شده که قابل جبران نیست. مسأله‌ی هوا بسیار بغرنج است و تابستان این وضعیت غیر قابل تحمل می‌شود. دقیقاً هوای عسلویه طبق آمار رسمی خود دولت ۱۰۰ برابر از تهران آلوده‌تر است کوتاهی هم از دولت هم شرکت‌هاست، در دوره‌ای هم درآمد زیاد بود و هم مسأله‌ی تحریم نبود می‌شد این آلودگی‌ها را کنترل کرد. مثلاً می‌شد انبار رو باز گوگرد را از اولش کنترل شده و در رو بسته می‌ساختند. ریه‌های مردم موجودات پر از ذرات گوگرد است که با باد معلق در هوا ست. شما موقع آمدن جاده‌ها را به رنگ زرد می‌بینید که به خاطر نشستن گوگرد روی زمین است. ریه‌های مردم هم همین صورت است. نه شرکت‌ها استانداردهای زیستی را رعایت کردند و نه دولت به درستی نظارت کرد. مردم هم البته اعتراضی نداشتند و از این امپراطوری هیجان‌زده بودند،

بعداً مشخص شد که چه بر سر سلامتی مان آمده. مقدار آلاینده‌گی شرکت‌ها بر منطقه در خیلی جاها غیر قابل برگشت است.»

محمد کارمند ساکن نخل تقی می‌گوید: « من خودم کارشناس شیمی‌ام و خوب می‌دانم درد آلاینده‌هایی که هر روز به میزان نامحدود وارد محیط اینجا می‌شود چقدر است و چقدر خطرناکه. مردم عادی فقط آلودگی‌های بدبو و سیاه می‌بینن. آنجایی که گازهای مطلق در هوا بعضاً بدون رنگ می‌باشند. در نگاه ظاهری به چشم نمی‌آیند و گاهاً آلودگی‌های گازی و بوی بد آلاینده‌ها در سطح منطقه آزار دهنده است؛ به‌گونه‌ای که حتی که اگر سازمان‌های انتقال خون متوجه شوند که فرد در این مناطق مشغول به کار می‌باشد حاضر نمی‌باشند که خون او را مورد استفاده قرار دهند. به دلیل نبود نظارت کافی بر شرکت‌های منطقه‌ی پتروشیمی‌ها این امر تشدید شد و دولت در این زمینه می‌تواند با نظارت، به‌خصوص بر پتروشیمی‌ها و صدور در اجرای بخش‌نامه‌های مرتبط در این زمینه به ایجاد فضای آب و هوای مطلوب‌تر کمک نماید.»

ناپایداری اجتماعی: بی‌ثباتی اجتماعی مفهومی است که اقتصاددانان و فن‌سالاران به ندرت به آن می‌پردازند، ولی در عین حال یکی از مهم‌ترین پیامدهای پنهان اقتصادگرایی است. البته عوامل زیادی در بروز آن مؤثرند. در عین حال، در مناطق صنعتی شده، بروز ناپایداری اجتماعی از پیامدهای صنعتی‌شدن است و کاهش این پیامدها نیز مهم‌ترین دغدغه در این مناطق صنعتی است. ناپایداری اجتماعی موجب افزایش طیف مختلفی از مسایل و مشکلات زیستی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. لذا تلاش برای کاهش آن به بهبود همه‌جانبه‌ی زندگی می‌انجامد. مسئولیت اجتماعی شرکتی یک امکان بالقوه‌است که می‌تواند این آسیب‌ها را کاهش دهد. همکاری و همیاری شرکت‌ها در کاهش ناپایداری اجتماعی تأثیر مثبت بر فضای کار، محیط زیست و سلامت، ارتقاء امنیت و تأمین اجتماعی دارد. مفاهیمی که از متن گفتگوها استخراج شده و از عوامل زمینه‌ساز ناپایداری اجتماعی است عبارتند از: افزایش جمعیت، دستکاری احساس تعلق به مکان، تبدیل روستا به شهر و بحران مهاجرت، آسیب‌های اجتماعی ناشی از افزایش جمعیت غیر بومی و رهاسازی آنها توسط شرکت‌ها، تضعیف امنیت اجتماعی و مسائلی از این قبیل است.

علیرضا راننده‌ی ساکن بیدخون می‌گوید: اینجا قبلاً یک منطقه‌ی روستایی بود با ساختار قبیله‌ای و مذهبی تقریباً یکسان. جمعیتی ثابت و اغلب هم‌قوم و خویش. به یکباره در مدت کوتاهی تبدیل به یک شهر بزرگ در استان شده با جمعیتی که از گوشه و کنار ایران و حتی کشورهای همسایه آمدند. بدون اینکه شهر ظرفیت پذیرش این همه آدم

داشته باشد.

مسلم معلم ساکن عسلویه می‌گوید: «پیمانکاری که یک‌باره ۵ هزار تا کارگر به یک منطقه‌ی کوچک شهری می‌آورد نباید از خودش بپرسد جا و مکان و تکلیف اینها چه می‌شود. نباید ارزیابی کنند که آیا شهر ظرفیت پذیرشش را دارد یا ندارد؟»
معصومه شغل منشی پزشک بومی ساکن عسلویه معتقد است که «اصلاً برای این همه جمعیت چاره‌اندیشی نشده بوده و کسی به فکر این که مردم محلی اینجا با این جمعیت چکار کنند نبوده است.»

حمید کارشناس حسابداری و کارمند در منطقه ویژه می‌گوید. «در سال‌های ابتدایی هجوم بی‌سابقه‌ی کارگران به این منطقه‌ی کوچک باعث به هم ریختن اوضاع و زندگی مردم بومی شد و هیچ قاعده‌ی منظمی برای پذیرش این جمعیت پیش‌بینی نشده بود و کلاً از ابتدا خشت اول کج گذاشته شده. کارگران اینجا درست مدیریت نمی‌شوند، مصرف مواد مخدر بینشان بیداد می‌کند، با همدیگر ناسازگارند و ده‌ها مسأله‌ی دیگر.»

محمود ساکن نخل تقی می‌گوید: «هجوم یکباره‌ی افراد با انواع قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت و بعضاً آداب و رفتارهای مختلف که منجر به ایجاد تنش‌ها و برخوردها شده و شرکت‌ها کارگران را به حال خود رها کرده‌اند. ما از این وضعیت ناراحتیم. برای خانواده‌ها و جوانانمان دل‌نگرانیم، مصرف مواد و الکل و ده‌ها مشکل دیگر هم هست که اهالی را ناراحت کرده است. البته کارگرها هم جوانان ما هستند فرقی ندارد.»

مسلم معلم ساکن روستای اخند: «از پیش از ده سال پیش با وجود شرکت‌ها جمعیت بسیار زیادی به منطقه هجوم آوردند. این مهاجران بدون برنامه‌ریزی آمدند و الان اینجا شکل متفاوتی به خود گرفته، پیمانکاران ده‌ها هزار کارگر آورده و رها کرده‌اند. نه جای خواب و خوراکشان درست است و نه رفتارشان مناسب.»

فاطمه بهروز ساکن روستای اخند می‌گوید: «مهاجرت به این منطقه بی‌حساب و کتاب هست. هر کس که دنبال شغلی باشه می‌رود در دفاتر کاریابی و اسمش را می‌نویسد. این‌طوری شده که اینجا دچار تهاجم فرهنگی و اجتماعی شده است. تازه حقوق خود کارگران هم درست رعایت نمی‌شود.»

نکات کلیدی که در این مصاحبه‌ها وجو دارد، تأکید مردم بر عدم مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در بکارگیری روش‌های پیشرفته در جهت کاهش اثر آلاینده‌ها توسط شرکت‌ها، عدم توجه به سلامت مردم از پیامدهای برنامه‌های کارشناسی نشده‌ی توسعه‌ای می‌باشد که در آن مردم محلی و محیط زیست نادیده گرفته شده‌اند.

جدول ۱: جدول خلاصه شده‌ی مقوله‌ی ناپایداری

| مقوله | مفاهیم | گزاره |
|---------------------------|-----------------|---|
| ناپایداری | بحران محیط زیست | آلودگی محیط زیست |
| | | آلودگی دریا |
| | | انبارهای روباز گوگرد |
| | | عدم رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در خصوص کنترل آلاینده‌ها |
| | | عدم استفاده از فیلتر |
| | | عدم پیش‌بینی کنترل آلودگی |
| | | زباله‌های صنعتی و بیمارستانی |
| | | آب‌های آلوده |
| | بحران سلامت | تهدید سلامتی گروه‌های در حاشیه |
| | | مسأله‌ی ایمنی کارگران حین کار |
| | | ایمنی سرویس‌های جایجایی کارگران |
| | | شیوع بیماری‌های تنفسی در منطقه |
| | | آلودگی خون و عدم پذیرش خون مردم عسلویه در مراکز انتقال خون و درمانی |
| | | فقدان بیمارستان‌های مجهز و پزشکان متخصص بیمارهای تنفسی |
| ایمنی راه‌های روستایی | | |
| عوامل ناامن کننده‌ی سلامت | | |
| ناپایداری اجتماعی | بحران فرهنگی | عدم وجود امکانات گذراندن اوقات فراغت برای کارگران جوان |
| | | عدم کنترل ورود و خروج کارگران |
| | | دسترسی آسان به مواد مخدر به‌ویژه شیشه |
| | | نزاع‌های خیابانی بین کارگران |
| | | وضعیت نامناسب فرهنگی کمپ‌های کارگری خارج از منطقه‌ی ویژه |
| | | سرگردانی کارگران بعد از ساعات کاری |
| | | مجرد بودن و مسائل و مشکلات زیست مجردی و غریزه‌ی جنسی |
| | | عدم اطلاع‌رسانی درباره‌ی روابط جنسی غیر حفاظت شده و مشکوک |
| | | عدم برگزاری دوره‌های ضمن خدمت فرهنگی برای راهنمایی و آگاهی‌بخشی زندگی در محیط‌های جمعی و خطرات و تهدیدات به کارگران |

| مقوله | مفاهیم | گزاره |
|---------------|--------|---|
| بحران اجتماعی | | به خطر افتادن امنیت اجتماعی خانواده‌ها و به‌خصوص بانوان به دلیل عدم سازماندهی کارگران |
| | | بی‌توجهی شرکت‌ها به امنیت کارگران و داشتن قوانین و شرایط کنترل شده بر ورود و خروج کارگران |
| | | عدم مداخله‌ی شرکت‌ها در مسأله‌ی مصرف علنی مواد مخدر در کمپ‌های کارگری |
| | | احساس خطر خانواده از شیوع مواد مخدر در بین جوامع محلی |
| | | از دست رفتن مشاغل بومی و سنتی |
| | | فقدان بیمه‌های مطمئن |
| | | بی‌توجهی به زنان باردار و کودکان و سالمندانی که هوای آلوده تنفس می‌کنند |
| | | بی‌توجهی به امکانات گذارن اوقات فراغت، امکانات تفریحی و ... |

سلطه‌ی فن‌سالاری بر انسان‌مداری: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یکی از راه‌های دستیابی به توسعه‌ی پایدار است. به این معنا که در هر حال شرکت‌ها باید مسایل محیط زیستی و اجتماعی را در محاسبات کسب و کار و معادلات اقتصادی‌شان بگنجانند (هاپکینز، ۲۰۰۷)؛ با این حال مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان یک راه حل مربوط به حقوق اجتماعی و یا دستیابی به استانداردهای محیط زیستی دیده نشده و در بسیاری از کشورها قوانین و مقررات مناسب جدید وجود ندارد که بر مسئولیت اجتماعی شرکتی تمرکز کرده و سطوح میدانی و چارچوب‌های الزام‌آور برای آن توسعه دهند (هاپکینز، ۲۰۰۲). شرکت‌های زیادی هستند که ملزم به تمرکز بر روی توسعه شده‌اند. آنها استراتژی توسعه‌ی انسان‌دوستانه را برگزیده‌اند. شاخه‌ای از علوم اقتصادی به نام اقتصاد توسعه، برای مقایسه‌ی سطح توسعه‌یافتگی کشورها شاخص‌هایی را در نظر می‌گیرند. بعضی از این شاخص‌ها صرفاً اقتصادی است ولی برخی دیگر از شاخص‌ها سایر ابعاد توسعه را نیز در بر می‌گیرند. با توجه به مطالب گفته شده در باب توسعه و توسعه‌ی پایدار، حجم آسیب‌های محیط زیستی و آلودگی هوا از یک سو و وضعیت نابسامان اجتماعی از سوی دیگر علاوه بر اینکه موجب ناپایداری محیطی شده، باعث تشدید دو ناپایداری دیگر یعنی ناپایداری انسانی و اجتماعی نیز شده است. مردم ساکن در مجاورت این منطقه نیز در مصاحبه‌هایشان این مسأله را تأیید کرده‌اند که شتابزدگی در اجرای پروژه‌ی پارس جنوبی و تمرکز بر بعد اقتصادی و عدم درک مدیران و طراحان از توسعه‌ی پایدار و بی‌توجهی به

توسعه‌ی متوازن بستر و زمینه بروز پیامدهای زیاد به‌خصوص تخریب محیط زیست و سلامت در ابعاد فردی و اجتماعی شده است. مثلاً:

مهناز کارشناس بهداشت محیط و ساکن نخل تقی می‌گوید: «ابعاد تخریب محیط زیست و تهدید گونه‌های موجودات زنده در دریا از یک‌سو و محیط زیست انسانی از سوی دیگر در جاهایی واقعاً جبران‌ناپذیر است. به نظر می‌رسد که در طراحی این پروژه هیچ نگاهی به محیط زیست و توسعه‌ی پایدار لحاظ نشده بوده و کارشناسان توسعه در بخش انسانی برای این وضعیت یا برنامه‌ای نداشته‌اند و یا این که شرکت‌ها در این خصوص توجیه نشده‌اند یا فرار کرده‌اند و بعداً هم نظارتی نشده یا نظارت کم بوده است.»

محمود کارشناس محیط زیست و ساکن عسلویه می‌گوید: «سند چشم‌انداز و توسعه‌ای پارس جنوبی روی کاغذ به سایر ابعاد توسعه و همکاری شرکت‌ها اشاره کرده، اما در عمل این منطقه بیگانه از توسعه‌ی متوازن است و توسعه‌ی پایدار پیشکش. در بعضی جاها انگار اینجا را یک لودر بی‌امان تخریب کرده و به پیش رفته است. مشکل اساسی این است که مدیران و برنامه‌ریزان یا نمی‌دانند توسعه‌ی متوازن چیست یا نمی‌خواهند که درباره‌اش حرف بزنند، مسلماً شرکت‌ها ملزم به اصول توسعه‌ی پایدار هستند و این در کنوانسیون‌های بین‌المللی لحاظ شده است و ایران هم قطعاً این مسائل را می‌داند، نظارت که نباشد کسی خودجوش به فکر مردم و محیط زیست نیست.»

اسماعیل معلم ساکن بیدخون می‌گوید: «اینجا حرف زدن از توسعه‌ی متوازن و توسعه‌ی پایدار مضحک است. به فکر همین نسل باشند، نسل آینده پیشکش. در عسلویه فقط و فقط توسعه‌ی اقتصادی مد نظر بوده؛ صورت‌های دیگر توسعه، رشدی به مراتب کمتر داشته. خانم شما که جامعه شناسید قبول دارید توسعه‌ی بهم ریخته، نبودنش بهتر از بودنش است؟ این تخریب محیط زیست، وضعیت شهرسازی و امکانات شهری که مثلاً ما یک سینما نداریم ولی در بدترین وضعیت و موقع تحریم اینجا اقلأً ۱۰ تا ۲۰ هزار کارگر جوان فقط کار و زندگی می‌کنند. چند سالن سرپوشیده شنا، مرکز فرهنگی درست و حسابی با توجه به شرایط بومی منطقه ایجاد شده؟ هر شرکتی همت می‌کرد می‌توانست یک کمپ عالی با امکانات درجه‌ی ۱ ایجاد می‌کرد، وضعیت اینجا ۵۰ درصد فرق می‌کرد. شما از هر کی بپرسید درباره‌ی وضعیت سلامت خودش و خانواده‌اش نگران هست. کار عجله‌ای بوده. بعدش هم کسی (نه مردم و نه دولت) پیگیر نشدند. این مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بحث جدیدی هست.»

هادی دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ساکن عسلویه می‌گوید: «ابعاد مختلف

توسعه اینجا مطرح هست. اگر چه دقیقاً مرز بین توسعه‌ی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نمی‌دانم کجاست، اینها خیلی در هم تنیده‌اند؛ و اگر گسستگی باشد در همه‌ی ابعاد پیداست. الان شما ببینید در یک شهر فوق صنعتی سینما وجود ندارد، مراکز فرهنگی فعال و شاداب دیده نمی‌شود، امکانات ورزشی استاندارد خارج از منطقه چندان وجود ندارد و کافی هم نیست. جوان محلی بیکار است. سلامتی خانواده‌ها در معرض خطر است. این بوی گاز را چند درصد از مردم ایران می‌توانند تحمل کنند؟ شما می‌دانید استشمام بوی گاز موجب بیماری‌های روانی می‌شود؟ خب این توسعه‌نیافتگی است که ما داریم این حرف‌ها را می‌زنیم. حال اینها را بگذارید در کنار این مسأله که چند گروه مردمی تشکیل شده‌اند برای پیگیری؟ من دانشجو چکار کرده‌ام؟ همه چیز پیچیده در هم است. شرکت کم‌کاری کرده درست من هم مطالبه‌جویی نکرده‌ام. چرا چون ترسیده‌ام. کارگر هم می‌ترسد. اینقدر نیروی کار آسان و در دسترس است که راحت اخراج می‌شود. بیمه‌ی درست و درمانی هم که نیست حمایتش کند. قانونی نیست که مرز بین فعالیت سیاسی و مدنی مشخص کند، این یعنی کلاً توسعه در کشور مشکل دارد. توسعه‌ی نامتوازن فقط در اینجا نیست؛ در کشور مشکل دارد».

مجتبی دانشجوی ساکن می‌گوید: « توسعه‌ی نامتوازن بدتر از توسعه‌نیافتگی است. الان شما ببینید توسعه‌ی نامتوازن که ناشی از عدم درک توسعه و عدم داشتن دانش است چه بر سر این منطقه آورده که نفس کشیدنش مرگ‌آور است، نگاه کنید، یه سرچ در گوگل بزنید وقتی پای سلامتی و اعتراض مردم (در خصوص این که خون مردم عسلویه غیر قابل استفاده‌است از شدت آلودگی) نماینده‌ی مجلس این شهرستان طرف مدیران شرکت‌ها را می‌گیرد که شایعه هست، این مسئول ماست که باید از حقوقمان در سطوح مدیریتی بالا حمایت کند!».

جدول ۲: نمای کلی مقوله‌ی تسلط فن‌سالاری بر انسان‌مداری

| مقوله‌ی هسته | مفاهیم | گزاره‌ها |
|-------------------------------|--|---|
| تسلط فن‌سالاری بر انسان‌مداری | اقتصادگرایی عدم درک توسعه‌ی متوازن و توسعه‌ی پایدار توسط مدیران فن‌سالار عدم آشنایی عمیق مدیران با مسایل علوم انسانی | توسعه‌ی یک جانبه‌ی اقتصادی؛ عدم توجه به توسعه‌ی پایدار؛ عدم توجه به برنامه‌ی پنجم توسعه در منطقه؛ لزوم آموزش به مدیران و نهادهای مرتبط؛ لزوم آموزش و آشنایی با مفاهیم توسعه و ... توسعه‌ی پایدار برای مدیران تسلط مدیران فن‌سالار بر نهادهای توسعه‌ی |
| | فاصله‌ی توسعه‌ی اجتماعی و سیاسی با توسعه‌ی اقتصادی ضعف توسعه‌ی سیاسی | فقدان تشکل‌های مدنی، فقدان تشکل‌های کارگری؛ فقدان کنشگران فعال فقدان سمن‌های فعال در زمینه‌های مختلف؛ عدم تحمل کنش‌های مدنی به‌علت مشخص نبودن مرز بین کنش‌های مدنی و سیاسی ضعف مشارکت مدنی |
| | فاصله‌ی توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی با توسعه‌ی اقتصادی | لزوم آموزش با مفاهیم توسعه و توسعه‌ی پایدار لزوم آشنایی آموزش به مردم در جهت مشارکت اجتماعی و کنش‌های مدنی لزوم داشتن رسانه‌های قوی آگاهی‌بخش در خصوص نقش مردم در توسعه‌ی متوازن و پایدار |

کارکرد غیر اثر بخش نهادها: نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای اتخاذ سیاست‌هایی در جهت تشویق، ترغیب و در نهایت الزام شرکت‌ها برای پیوستن به جنبش گزارش‌دهی شفاف مسئولیت اجتماعی، بسیار حائز اهمیت است. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی جزء نهادهای پیشرو در تنظیم مقررات و ارائه‌ی راهنما برای شرکت‌های چند ملیتی به منظور اتخاذ اصول داوطلبانه در مسئولیت‌پذیری اجتماعی بوده است. بهبود شرایط زیستی و افزایش رفاه مدنی شهروندان، ایجاد فضاهای فرهنگی مانند کتابخانه و فرهنگ‌سرا، مجموعه‌های فرهنگی، جلب حمایت از مشاغل کوچک و متوسط خدماتی جایگزین مشاغل بومی از دست رفته، حمایت از پژوهش‌های حوزه‌ی مسئولیت اجتماعی شرکتی به منظور انعکاس نیازها و دستاوردها می‌تواند در دستور کار سمن‌ها قرار گیرد.

البته سمن‌ها خود یک نیروی قدرتمند مدنی برای وارد کردن فشارهای مدنی بر شرکت‌ها و بازگرداندنشان به مسیر توسعه‌ی پایدارند. شرکت‌ها همواره باید نظارت نهادی را بر عملکرد خود احساس نموده و در مسیر درست حرکت نمایند. اگر چه آسیب‌هایی که تاکنون بر مردم و محیط زیست عسلویه وارد شده بعضاً غیر قابل جبران است، اما با برنامه‌ریزی می‌توان از تعمیق آسیب‌های آتی پیشگیری کرد. با توجه به مطالب گفته شده استراتژی ورود دولت به عرصه‌ی نظارت بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از یک‌سو و آموزش و تشویق سمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد برای مشارکت مدنی در امر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از سوی دیگر می‌تواند به‌عنوان یک راهکار در کاهش پیامدهای صنعتی‌شدن در مناطقی مانند عسلویه مؤثر واقع شود. مردم ساکن در مجاورت این منطقه نیز در مصاحبه‌هایشان این مسأله را تأیید کرده‌اند که نظارت هم از سوی مردم و هم از سوی نهادهای مکلف ضعیف و دیر هنگام بوده است مثلاً:

هادی دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ساکن عسلویه می‌گوید: «این توسعه‌نیافتگی است که ما داریم این حرف‌ها می‌زنیم. حال اینها را بگذارید در کنار این مسأله که چند گروه مردمی تشکیل شده‌اند برای پیگیری؟ من دانشجو چکار کرده‌ام؟ همه چیز پیچیده و در هم است. شرکت کم‌کاری کرده درست، من هم مطالبه‌جویی نکرده‌ام. چرا چون ترسیده‌ام. کارگر هم می‌ترسد. اینقدر نیروی کار آسان و در دسترس است که راحت اخراج می‌شود. بیمه درست و درمانی هم که نیست حمایتش کند. قانونی نیست که مرز بین فعالیت سیاسی و مدنی مشخص کند، این یعنی کلاً توسعه در کشور مشکل دارد. توسعه‌ی نامتوازن فقط در اینجا نیست در کشور مشکل دارد.»

زهره کارمند بهداشت ساکن روستای بیدخون «می‌گوید: اومدن این شرکت‌ها باعث تغییر نگرش مردم شده و برای زنان بهتر شده. دید خانواده‌ها بازتر شده، زنان تحصیل کرده زیادند. مثلاً الان خانم‌ها در امور مثل فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی توی شورا و این جور جاها شرکت می‌کنند. این مسائل هم مهم است. اینکه افراد در جامعه بتونن از حقوق خودشان دفاع کنند، لازمه‌اش این هست که اول حقوق خودشان را بشناسند. به نظرم این اتفاق‌های خوب اینجا داره می‌افتد؛ اما به طرف قضیه هم هنوز تاریک است مثلاً هنوز بعضی خانواده‌ها اصلاً اجازه نمی‌دن خانم‌هاشون تنهایی بیان بیرون چه برسه پیگیری این مسائل. نهادهای مدنی می‌تونن با حرکت‌هایی به این خانواده‌ها آگاهی بدهند. نمایندگان مجلس بیشتر تلاش کنند و کلاً باید یک هماهنگی ایجاد بشه برای کاهش معضلات اینجا.»

سعید ساکن نخل تقی و شاغل در منطقه‌ی گازی می‌گوید: «مشارکت بین شرکت‌ها و مردم مردم محلی می‌تواند در حوزه‌ی توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی بسیار کارآمد باشد. مثل تعامل برقرار کردن با کارگران، پیگیری مطالبات مدنی از شرکت‌ها مثل حق داشتن هوای پاک، مکان‌های عمومی مجهز و سر و سامان دادن به وضعیت کارگران و ... این قبیل امور بیشتر خواست مردم است و باید خود مردم را تشویق به همکاری با نهادهای دولتی بشوند».

جدول ۳: نمای کلی مقوله‌ی کارکرد غیر اثربخش نهادها

| مقوله | مفاهیم | گزاره‌ها |
|-----------------------------|---|--|
| کارکرد غیر اثربخش نهادها | چالش‌های مدیریت در ایران ضعف قوانین نظارتی فقدان مدیریت اثر بخش فقدان اراده‌ی سیاسی و قضایی برای برخورد با عوامل ناامن کننده آسودگی خیال پیمان‌کاران از گزارش‌دهی و اهمال‌کاری در عمل به مسئولیت اجتماعی شرکتی | مدیریت بی‌تأثیر نهادهای نظارتی مدیریت کم کارکرد نهادهای نظارتی عدم پیگیری حقوق شهروندی حاکمیت ضعیف؛ ناتوانی دولت در رویارویی با شبه دولتی‌ها، ناتوانی در برخورد عینی و عملی در برابر تخلفات، عدم حمایت قانون از حقوق شهروندی، دور زدن قانون توسط کارفرمایان پر قدرت |
| | ناآگاهی یا آگاهی کم مردم و سمن‌ها از پتانسیل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در کاهش پیامدها و تهدیدات عدم توجه به پتانسیل سازمان‌های مردم نهاد عدم اشتیاق به کنش‌گری از طرف مردم عدم آگاهی یا آگاهی کم و ناکافی از قوانین مدنی و حقوق شهروندی ترس و احساس ناامنی در کنشگری مدنی ضعف سمن‌ها در آگاهی بخشی به مردم در خصوص حقوق و مطالباتشان در چارچوب مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها | عدم آگاهی مردم در زمینه‌ی توسعه‌ی پایدار و کنشگری مدنی، عدم توجه به نقش سازمان‌های مردم نهاد توسط دولت‌ها، عدم تفکیک بین کنشگری مدنی و سیاسی، عدم تحمل نهادهای امنیتی در اثر ناآگاهی نسبت به فعالیت سودمند سمن‌ها در پیشبرد اهداف توسعه‌ی پایدار، عدم آگاهی مردم از قوانین حقوق مدنی حمایت‌گر |

بازاندیشی و تفکر انتقادی برای تعمیق دانش^۱: دانش کم عمق آسیب زاست. افزایش و بهبود مهارت‌های تفکر یکی از ابعاد مورد توجه در فرایند بازاندیشی است. در دوره‌ی مدرن امروزی که با افزایش زیاد از حد دانش روبه‌رو هستیم، مسأله‌ی دانش اختصاصی کسب شده توسط فرد، از اهمیت کمتری برخوردار است. زیرا آنچه به‌طور مشهود اهمیت بیشتری دارد این است که افراد در ضمن فعالیت‌های فکری، مهارت‌هایی را به‌دست آورند که آنها را قادر به هضم دانش جدید سازد و در ارزیابی اطلاعات فراوانی که در کار با آن روبه‌رو هستند، تأثیر بازاندیشی بر مهارت‌های تفکر انتقادی ارتقاء دهد (ورمونت، ۱۹۹۶). بازاندیشی در سطوح مختلف شامل تحقیقات دانشگاهی و ارزیابی عملکرد سازمان‌ها، شرکت‌ها و دولت‌ها در زندگی واقعی مردم در قالب مطالعات مردم‌نگارانه‌ی انتقادی به‌عنوان ابزاری برای توسعه و بهبود آگاهی است که این امر می‌تواند توانایی انسان را در استفاده از راهبردهای تفکر افزایش دهد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بازاندیشی و تفکر انتقادی توانمندسازی است. بازاندیشی و تفکر انتقادی می‌تواند نقاط ضعف در سطوح مختلف نمایان ساخته و توانمندسازی در سطوح مختلف می‌تواند آن نقاط ضعف را درمان نماید.

توانمندسازی^۲: توسعه‌ی پایدار یکی از مهم‌ترین سیاست‌های هر کشور است، که کلیه‌ی برنامه‌های توسعه‌ای‌اش را مطابق با اهداف توسعه‌ی پایدار تنظیم می‌کند. توانمندسازی نیز از مؤلفه‌های مهم توسعه‌ی پایدار است. یکی از اهداف ایجاد مناطق صنعتی، دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی است، اما یک‌جانبه‌نگری در توسعه‌ی اقتصادی خطایی فاحش و جبران‌ناپذیر است، چرا که توسعه‌ی اقتصادی مستقل از توسعه‌ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و ... نبوده و به‌طور کلی تمام ابعاد توسعه به هم پیوسته‌اند و بر هم تأثیر می‌گذارند. توانمندسازی یکی از نشانه‌های جامعه‌ی توسعه‌یافته است. از سوی دیگر بازاندیشی نیز اهمیت زیادی در ایجاد زمینه توانمندسازی دارد. بازاندیشی، ویژگی و معرف هر گونه کنش انسانی است. در دوره‌ی سنت، «گذشته» مورد احترام است و نمادها ارزشمندند و سنت یکی از شیوه‌های تلفیق نظارت بازاندیشانه با سازماندهی زمانی - مکانی اجتماع است. از این دیدگاه منطقه‌ای روستایی و قبیله‌محور با سنت‌های خاص، تبدیل به یک منطقه‌ی صنعتی غول‌آسا شده است، مردم محلی و بومی از یک زمینه‌ی سنتی به یک زمینه‌ی صنعتی و مدرن پرتاب شده‌اند، اگر چه در ابتدا واکنش‌ها گیج و هیجان‌زده و توأم

^۱ rethinking & critical thinking

^۲ empowerment

با نگرانی می‌نماید، اما گذشت زمان باعث شکل‌گیری یک نوع تفکر بازاندیشانه در مردم بومی شده است. آنها تعامل با دیگر فرهنگ‌ها را با ورود کارگران مهاجر درک کرده‌اند، مسائل اجتماعی را شناخته‌اند، تنوع نهادها و کارکردهای جدیدشان را در منطقه به رسمیت شناخته‌اند، اگر چه صنعتی شدن زندگی قبلی‌شان را به کلی عوض کرده و حتی با اینکه با تغییر شکل کلی منطقه حس تعلق به مکانشان شدیداً دستکاری شده است، اما خود را با این وضعیت جدید سازگار کرده‌اند. آنها مسایل اجتماعی و زیست‌محیطی که پیامدهای صنعتی شدن است را درک کرده و حتی فقدان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را می‌فهمند و در برخی از موارد در جستجوی جایگاه خود در این سیستم هستند. تغییر سبک زندگی، روی آوردن به تعامل، پذیرش زندگی شهری، ترک بعضی از جنبه‌های زندگی سنتی، آموزش دختران، حضور زنان در عرصه‌ی عمومی و ... نشانه‌های این بازاندیشی است.

قاسم کارمند ساکن روستای بنود می‌گوید: «وضعیت اینجا اصلاً قابل قیاس با قبل نیست. مردم دیگر در بافت سنتی و قبیله‌ای زندگی نکرده و مد روز شده‌اند، همه در خانه‌هایشان ماهواره دارند، خانم‌ها مثل بقیه می‌توانند دانشگاه بروند و درس بخوانند، مشکل سخت‌گیری بعضی از خانواده‌ها به خاطر معتادان و نبود امنیت اجتماعی است و گرنه دیدشان بسته نیست».

محمدحسین کاسب ساکن روستای بیدخون می‌گوید: «اصلاً بگو که اینجا یک انقلاب در رفتار مردم شده، من قبلاً فکرش رو هم نمی‌کردم دخترمو بفرستم دانشگاه کرمان، اما الان که این مهندس‌ها و کلاس اجتماعی‌شان رو می‌بینم، دلم می‌خواهد فرزندانم هم مثل اینها شوند».

یوسف کارمند حسابداری یک شرکت پیمانکاری در عسلویه می‌گوید: «خب منطقه‌ی عسلویه با یک جو انقلاب صنعتی مواجه شده، هم پیامدهای خوب دارد و هم بد. اگر شرکت‌ها همت کنند و با کمک دولت پیامدها را کاهش دهند، واقعاً این منطقه یک مدل خوب چند فرهنگی در کشور می‌شود».

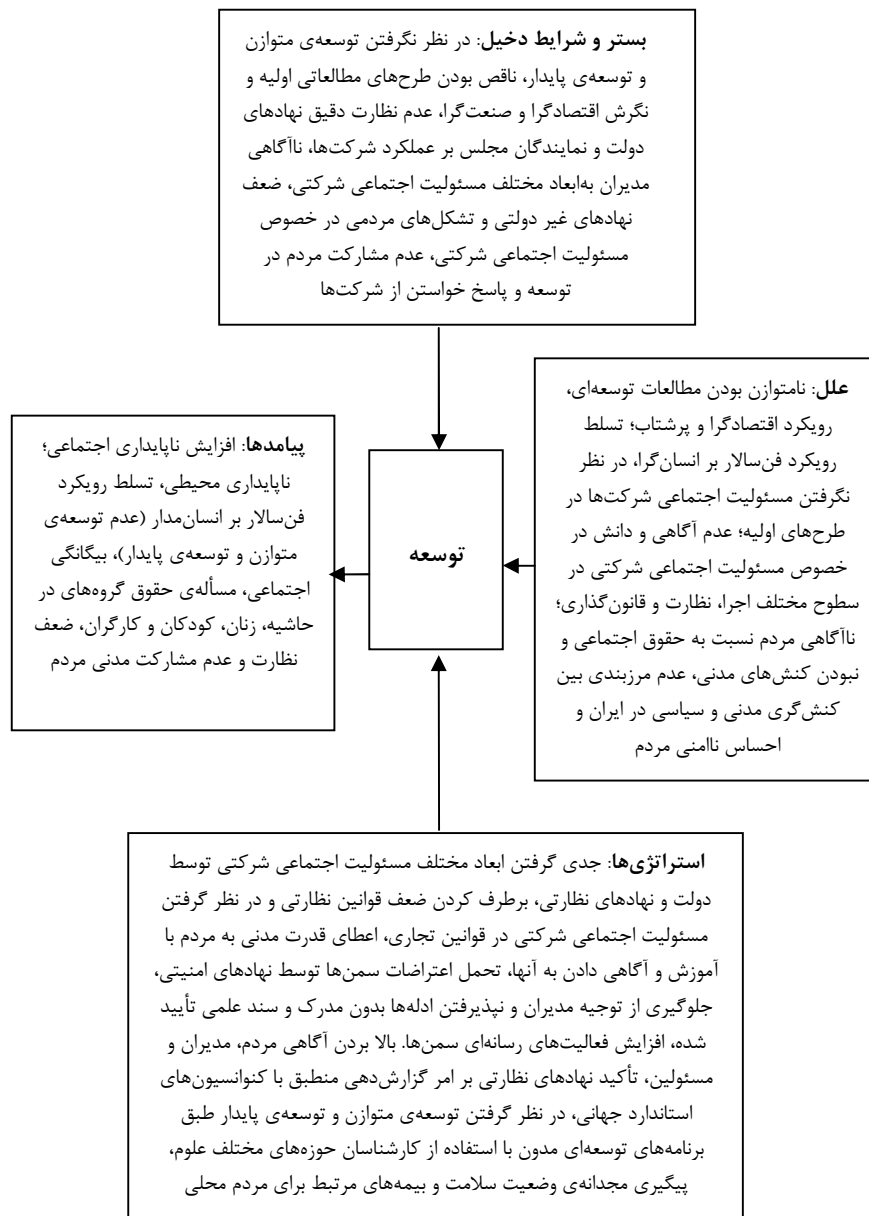
اسماعیل معلم و ساکن روستای کلات می‌گوید: «خب مسلماً رفتار مردم عوض شده. البته این به خاطر رفت و آمدهای زیادی است که در منطقه صورت گرفته، جغرافیای منطقه عوض شده و کلاً تغییر کرده، مشکل ما این است که شرکت‌ها می‌توانستند در وضعیت پیچیده‌ای که مشکل‌آفرین شده است با در نظر گرفتن توسعه‌ی پایدار و ابعاد دیگر توسعه حل کنند».

زهره مشاور حقوقی ساکن عسلویه می‌گوید: «اتفاقی که افتاده در منطقه هم جنبه‌های مثبت دارد و هم منفی. جنبه‌های مثبت داشته، بعضی از سنت‌های ما کمرنگ شده و شبیه شهرهای بالا شده‌است. در کل اگر بخواهیم وضعیت فرهنگی و بهداشتی و ... را در نظر بگیرم جنبه‌های منفی‌اش بیشتر است، من می‌خواهم در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیشتر مطالعه کنم و برای دوره‌ی بعدی کاندیدای شورای شهر بشوم. صحبت کردن با شما ذهنم را روشن‌تر کرده است.»

معصومه منشی پزشک و ساکن عسلویه می‌گوید: «من خیلی مثبت‌اندیش نیستم. اگر چه بعضی از پیامدهای مثبت منطقه‌ی انرژی پارس را نمی‌توانم انکار کنم. اگر شرکت‌ها کمک می‌کردند می‌شد بهتر از این باشد. البته به خودمان که نگاه می‌کنم می‌بینم ما هم برای حقومان دفاع نکردیم. می‌توانستیم از راه نمایندگان مجلس و دهیاری و ... وضعیت را بهتر کنیم.»

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت مردم نیز کم و بیش به اهمیت بازانندیشی و تفکر انتقادی و توانمندسازی پی برده‌اند و می‌توان گفت که اساساً در خصوص نگرش مردم به وضعیت خودشان یکی از پیامدهای صنعتی‌شدن بازانندیشی بوده است. آنها به خوبی دریافته‌اند که توانمندسازی مردم از طریق آموزش بسیار مؤثر است. بدون تردید آموزش یکی از مهم‌ترین ارکان بازانندیشی توانمندسازانه است که می‌تواند به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای توسعه‌ی پایدار مورد توجه در همه‌ی سطوح قرار گیرد. در سطح اول برنامه‌ریزان توسعه نیازمند به آموزش به منظور بازانندیشی در خصوص توسعه‌ی متوازنند. آنها باید تحقیقاتی که در خصوص مناطق صنعتی انجام شده و نشان‌دهنده‌ی مشکلات توسعه است را به خوبی مطالعه کرده و از کارشناسان حوزه‌های مختلف برای بازننگری در برنامه‌ها مدد جویند. در سطح دوم مدیران شرکت‌ها نیاز مبرم به آموزش در خصوص توسعه و توسعه‌ی پایدار دارند. این مدیران که اغلب تحصیل‌کردگان رشته‌های فنی می‌باشند، رویکردشان نیز تکنوکراتیک است و ابعاد دیگر توسعه را عمیقاً نمی‌شناسند و برای آن راه حلی ندارند. در اینجا است که بر هم کنش علم انسانی و صنعت اهمیت می‌یابد. فرهنگ و جامعه می‌بایست همپای اقتصاد رشد کنند، در غیر این صورت توسعه‌ی اقتصادی خود به یک معضل تبدیل می‌شود. از طرفی مدیران باید مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را بشناسند، آنها باید با توجه به دانش روز در همایش‌ها و کارگاه‌ها و کنفرانس‌های جهانی که در این خصوص برگزار می‌شود شرکت نموده و از تجربیات، دانش و عملکرد شرکت‌های دیگر جهان که در این راه موفق بوده‌اند کسب دانش نموده و راهکارهای مؤثر برای حرکت

در مسیر توسعه‌ی پایدار در پیش بگیرند. مسئولیت اجتماعی شرکتی یک کلاس جهانی برای شرکت‌هاست و عمل کردن به آن برای شرکت‌ها اعتباربخش است نه زیان‌ده. در سطح سوم ناظران هستند که آموزش بازاندیشانه به آنها بسیار اهمیت دارد. آنها باید به کلیه‌ی قوانین در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها آگاهی داشته باشند، کنواسیون‌های محیط زیست، حقوق بشر و سایر استانداردهای جهانی را شناخته و شرکت‌ها را ملزم به پاسخگویی نمایند. گزارش‌دهی یکی از مهم‌ترین ابزارها در مسئولیت اجتماعی شرکتی است. در خصوص محیط زیست و حقوق بشر شرکت‌ها ملزم به اجرای مسئولیت اجتماعی شرکتی به صورت اجباری هستند. آنها نباید تنها به ادعاهای شرکت‌ها بسنده کرده، بلکه باید بازتاب عملکرد شرکت‌ها در زندگی اجتماعی مردم و محیط زیست را ببینند. در سطح چهارم مردم هستند که باید در خصوص حقوقشان آگاهی پیدا کنند. هر کس باید بداند به‌عنوان یک شهروند که در یک منطقه‌ی پرخطر زندگی می‌کند دارای چه حقوقی است و چگونه می‌تواند حقش را بستاند. سمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد مهم‌ترین رکن مشارکت مدنی برای فشار بر سه سطح پیشین هستند. مردم ساکن در مجاورت پالایشگاه‌ها و مناطق صنعتی، بار همه‌ی مشکلات و آسیب‌های ناشی از آلودگی هوا از یک سو و مشکلات حضور جمعیت مهاجر از سوی دیگر تحمل می‌کنند، آنها باید بدانند که شرکت‌ها دارای مسئولیت اجتماعی هستند و نمی‌توانند تنها به‌عنوان توسعه‌ی اقتصادی هر عملی را برای خودشان مباح کنند. بلکه هر توسعه‌ی اقتصادی باید با سایر جنبه‌های توسعه و توسعه‌ی پایدار و همچنین با در نظر گرفتن حقوق همه‌ی ذینفعان خارجی همراه باشد.



مدل پارادیمی (اشتراوس و گلیرز؛ به نقل از فلیک، ۱۳۸۷)

بحث و نتیجه‌گیری

هنگامی که یک منطقه، رو به صنعتی‌شدن می‌رود، با توجه به اینکه پیامدهای صنعتی شدن بیشتر دامن‌گیر مردم جوامع محلی است، لذا انتظار مردم محلی این است که رفاه اجتماعی و زندگی‌شان از استاندارد بهتری برخوردار شود، انتظار دسترسی به فرصت‌های بیشتر برای ساختن زندگی بهتر هم از جنبه‌ی فردی و هم در حوزه‌ی اجتماعی طبیعی است. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با مردم محلی مجاور منطقه‌ی انرژی پارس جنوبی نشان می‌دهد که این انتظار مردم ناشی از ادراکشان از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است. آنها به‌طور ناخودآگاه یک رابطه‌ی مبتنی بر سود و زیان بین خودشان به عنوان جامعه‌ی میزبان و شرکت‌ها برقرار کرده‌اند. به ازای میزبانی، خواستار شراکت در منافع هستند. آنچه منافع آنها را تضمین می‌کند پاسخگویی شرکت‌ها در قبال پایداری، امنیت، سلامت و محیط زیست‌شان است که بتواند باعث کاهش آسیب‌ها شود و در صورت عملکرد مثبت شرکت‌ها در این خصوص آنها خود را منتفع از این میزبانی می‌دانند. این بدین معنی است که فعالیت شرکت‌ها نباید تنها در راستای توسعه‌ی اقتصادی تعریف شود. از نظر مردم اجرای پروژه‌های عظیم سبب تغییر زندگی عادی آنهاست. هر چه پروژه‌ها بزرگ‌تر و در ابعاد وسیع‌تری اجرا شود، به‌ویژه در حوزه‌ی انرژی، به‌طور جدی سلامت، امنیت و زیست‌بوم تهدید می‌شود. البته اجرای این پروژه‌ها برای هر دولتی ضروری است، اما با برنامه‌ریزی توسعه‌ای به سمت توسعه‌ی متوازن و پایدار می‌توان ابعاد این تهدیدات را به نحو چشمگیری کاهش داد. طبیعی است که در شرایط موجود، مردم به‌طور مستقیم دولت و شرکت‌ها را مسئول وضعیت موجود قلمداد کرده و خود را متضرر می‌بینند. برنامه‌ریزی ناقص اولیه در راه‌اندازی منطقه‌ی ویژه که بر توسعه‌ی اقتصادی پرشتاب بدون در نظر گرفتن سایر جنبه‌های توسعه استوار بوده است، یکی از مهم‌ترین عوامل وضعیت نابسامان منطقه‌ی عسلویه می‌باشد. در این طرح‌ها که شتابزدگی به وضوح در آن مشخص است، نه تنها توسعه‌ی پایدار در نظر گرفته نشده، بلکه ارکان دیگر توسعه نیز فراموش گردیده است. این «دانش کم‌عمق» درباره‌ی توسعه باعث شده که منطقه به صورتی نامتوازن رشد کند. این رشد نامتوازن مانند نوعی رشد سرطانی است که کم‌کم انسجام و پایداری اجتماعی - زیستی را قربانی می‌کند. اگر چه توسعه‌ی اقتصادی موتور سایر

جنبه‌های توسعه می‌باشد و هر کشوری می‌بایست از منابع ملی‌اش برای پیشبرد منافع ملی بهره جوید، اما چنانچه برنامه‌ریزی درست صورت نگیرد، منافع ملی به خطر افتاده و باعث هدر رفتن منابع ملی نیز می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی مهم‌ترین رکن توسعه می‌باشد که در طرح‌های مطالعات اولیه دیده نشده‌است. استراتژی که هم اکنون نیز پیشنهاد می‌شود و بر مبنای تحلیل داده‌هاست، بازنگری در طرح‌های توسعه‌ای و دیدن ابعاد مختلف مسئولیت‌هاست. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یکی از مهم‌ترین شاه‌راه‌های توسعه‌ی پایدار است که بار سنگین مالی دولت‌ها کاهش می‌دهد. مواجه شدن با نظارت شدید و توأم با مجازات‌های مالی و حقوقی موجب پایبندی شرکت‌ها به مسئولیت‌شان شده و آنها برای دوری از زیان ابعاد مختلف توسعه را از همان ابتدا مورد توجه قرار می‌دهند. برای کاهش پیامدهای توسعه‌ای صنعتی شدن باید عملیات مالی شفاف و برخورد بدون قید شرط با فساد داشت. سیستم گزارش‌دهی مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی باید در این‌گونه طرح‌ها دیده شود و توسعه‌ی پایدار به‌عنوان هدف برای همه‌ی شرکت‌ها تشریح گردد و این مسأله باید در سطوح قانون‌گذاری و نظارتی با تصویب قوانین شفاف، بدون امکان دور زدن، مطرح شود. البته آگاهی مردم از حقوق اجتماعی، فعالیت‌های مدنی و اجتماعی مردم و مطالبه‌جویی نیز از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد و خود نشان‌دهنده‌ی توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی است. نکته‌ای که باید اشاره شود این است که به نظر می‌رسد طبق نظریه‌های موجود، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیش از آن که یک مبحث بین‌رشته‌ای محسوب شود، یک مبحث مدیریتی و اقتصادمحور محسوب می‌شود و کمتر جامعه‌شناسان و یا حقوق دانان به آن پرداخته‌اند؛ حال آنکه تأثیری که شرکت‌ها بر مردم پیرامونشان می‌گذارند، فراتر از مقوله‌های اقتصادی است. جامعه‌شناسی بیش از این باید با رویکرد انتقادی و هنجاری به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بپردازد. از آنجا که جامعه‌شناسی منافع ایده‌آل جامعه را در نظر می‌گیرد؛ پیگیری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها که در حقیقت تعامل بین مردم و شرکت‌هاست، یک فرصت گران‌بها جهت دستیابی جامعه به زندگی با استانداردهای بالاتر است. جای دارد همان‌گونه که مدیران شرکت‌ها منافع ایده‌آل خود را تعقیب می‌کنند، جامعه‌شناسان نیز منافع ایده‌آل جامعه را که دستیابی به زندگی با استانداردهای بالاست، در این حیطه پیگیری نمایند. بکارگیری مطالعات عمیق علوم انسانی

همان نقطه‌ی عطف بر هم کنش علوم انسانی و صنعت است که همواره در کشور ما مورد غفلت قرار گرفته است. گویی که علوم انسانی و صنعت هیچ نیازی به یکدیگر ندارند. وضعیت امروز عسلویه نمایانگر این است که باید در همه‌ی طرح‌های صنعتی، همه‌ی اشکال سرمایه در نظر گرفته شود و این نیازمند بکارگیری دانش متوازن در همه‌ی حوزه‌هاست.

فهرست منابع:

- احمدی، حمید و بیدالله‌خانی، آرش (۱۳۹۲). "پسا توسعه‌گرایی و بازنمایی‌های انتقادی از گفتمان توسعه؛ رویکردی مردمی"، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، دوره‌ی ۵ شماره‌ی ۳ (مسلسل ۱۹).
- اسکوبار، آرتورو (۲۰۰۵). تصور عصر پسا - توسعه، ترجمه‌ی آرمان شهرکی، وبگاه انسان‌شناسی و فرهنگ، <http://anthropology.ir/node/5448>.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صابری زفرقندی، محمدباقر؛ رحیمی موقر، آفرین؛ حاجبی، احمد (۱۳۸۶). "وضعیت مصرف مواد، اعتیاد و خدمات مربوطه در کارگران منطقه‌ی صنعتی عسلویه"، مجله‌ی پژوهشی حکیم، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۴.
- صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۵). "ارائه‌ی یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و راه‌های کاهش آن در عسلویه"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲، تابستان.
- صدوق، سید حسن؛ سجادی، ژیلا و امیری، نورالدین (۱۳۹۳). "تحلیل پایداری اجتماعی اثرات توسعه‌ی صنعتی منطقه‌ی ویژه پارس جنوبی در بخش عسلویه"، فصلنامه‌ی جغرافیا، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۱.
- طالبیان، سید امیر؛ فاضلی، محمد و دغاغله، عقیل (۱۳۸۷). "تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه‌ی صنعتی در منطقه‌ی عسلویه، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۳۳، بهار.
- رضادوست، کریم؛ فاضلی، عبدالله و مقتدایی، فاطمه (۱۳۹۳). "بررسی عوامل مؤثر بر میزان نشاط در استان خوزستان"، فصلنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۴، تابستان.

Armstrong, Scott. J., Green, Kesten C, (2013), "Effects of corporate social responsibility and irresponsibility policies", *Journal of Business Research* 66, pp.1922–1927.

Bobby Banerjee, S. (2008). "Social Responsibility: The Good", the Bad and the Ugly, *Critical Sociology* 34, (1), pp.51-79.

Bobby Banerjee, S. (2010). *Social Responsibility: The Good, the Bad and the Ugly*, USA, Edward Elgar.

Boeddeling, J. (2012). *Orporate Social responsibility: a Perspective from Weberian Economic sociology*, Doctoral thesis,

Herdecke University

Carroll, A. (1979). "A three-dimensional conceptual model of corporate social performance", *Academy of Management Review* 4:pp. 497–505.

Clarkson, M. B. E. (1995). "A Stakeholder Framework for Analysing and Evaluating Corporate Social Performance", *Academy of Management Review*, Vol. 20 No. 1, pp. 92-117.

Dasmann, R. (1988). "National parks, nature conservation, and future primitive", In J.H. Bodley (ed.) *Tribal Peoples and Development Issues*. Pao Alto, CA: Mayfield, pp. 303–310.

Dobson, A. (1996). "Environmental sustainabilities: an analysis and typology", *Environmental Politics* 5(3), pp. 401–28.

Elkington, J. (1997). "Cannibals with Forks: The Triple Bottom Line of 21st Century Business. Oxford: Capstone, Lantos, G. P. (2001) the ethicality of altruistic corporate social responsibility", *Journal of Consumer Marketing*, Vol. 19 No. 3, pp. 205-230.

Emmanuel, R., Cruz, B., Bres, L., L. (2014). "An assessment of corporate social responsibility practices in the mining and oil and gas industries", *Journal of Cleaner Production*, pp. 1-15.

European Commission (2007). Promoting a European framework for CSR: http://www.europa.eu.int/comm/employment_social/soc-dial/csr. Accessed 15 March.

Flick, U. (2000). *Episodic Interviewing in Bauer and Gaskell (eds), Qualitative Reserching with text, Image and graound: A Practical Handbook*; London: Sage.

Freeman, R. E. (1998). "A stakeholder theory of the modern corporation, in Pincus, L. B. (Ed.), *Perspectives in business ethics*", McGraw-Hill, Singapore, pp. 171-181.

Friedman, M. (1998). "The social responsibility of business is to increase its profits, in Pincus, L. B. (Ed.), *Perspectives in business ethics*", McGraw-Hill, Singapore, pp. 246-251.

Gladwin, T.N., Kennelly, J.J. and Krause, T.S. (1995). "Shifting paradigms for sustainable development: implications for management theory and research", *Academy of Management Review*, 20 (4):pp. 874–907.

<http://cait.wri.org/>.

http://www.csr-asia.com/report/report_future_of_csr.pdf.

<http://www.wri.org/blog/2015/09/8-interactive-graphics-answer-top-climate-change-questions>, st_ref, Domain, www.facebook.com &.st_refQuery.

Jensen, M. C. (2001). "Value Maximization, Stakeholder Theory, and the Corporate Objective Function", *Journal of Applied Corporate Finance*, Vol. 14 No. 3, pp. 8-21.

Lantos, G. P. (2001). "The ethicality of altruistic corporate social responsibility", *Journal of Consumer Marketing*, Vol. 19 No. 3, pp. 205-230.

Matten, D., Crane, A. and Chapple, W. (2003). "Behind the Mask: Revealing the True Face of Corporate Citizenship", *Journal of Business Ethics*, Vol. 45 No. 1/2, pp. 109-120.

Meeting Changing Expectations, World Business Council for Sustainable Development: Geneva.

Melhuus, Marit, Mitchell, Jon P; Wulff, H. (2010). *Ethnographic Practice in the Present*, London: Berghahn Books.

Newton, T. and Harte, G. (1997). Green business: technicist kitsch? *Journal of management Studies*, 34 (1): pp.75-98.

Nicolau, Juan L. (2008). "Corporate social responsibility, Worth-Creating Activities *Annals of Tourism Research*, Vol. 35, No. 4, pp. 990-1006.

Ranängen, H., Zobel, Th. (2014). "Revisiting the 'how' of corporate social responsibility in extractive industries and forestry", *Journal of Cleaner Production*, pp. 1-14.

Thomas, J. (1993). *Doing Critical Ethnography*, Newbury park, CA: sage.

World Business Council for Sustainable Development (1999). *Corporate Social Responsibility*:

World Commission on Environment and Development (1987). *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press.

www.sid.ir.